

مجلس دوازدهم چند روزی است که کار خود را آغاز کرده است. یکی از موضوعاتی که در این میان هم موجب امید و هم موجب نگرانی‌هایی شده، مساله سمت و سوی چرخیدن فریام اقتصادی مجلس است. به عبارتی، موضوع این است که مجلس در موضوعات کلان چه سمت و سویی را در حوزه اقتصاد دنبال خواهد کرد. در این گزارش به بررسی جریان فکری اقتصاد خواننده‌های مجلس پرداخته شده است. به نظر می‌رسد چهار گروه در حوزه اقتصاد در جهت‌گیری نمایندگان مجلس قابل تفکیک است. گروه اول جریان نزدیک به اقتصاد بازار هستند و البته تأکید می‌شود تفاوت‌هایی در برخی حوزه‌ها در نگرش‌های آنان با اقتصاد بازار وجود دارد. گروه دوم را شاید بتوان جریان تثبیت‌گرا معرفی کرد. جریان سوم، مستقلین هستند که در موضوعات مختلف بعضا به سمت گروه اول و در مواردی نیز به سمت گروه تثبیت‌گرا چرخش خواهند داشت. گروه چهارم نیز جریان شبه علم هستند که قطعا می‌توانند تبعات مخربی برای اقتصاد ایران داشته باشند. لازم به ذکر است در پژوهش‌های مختلف جریان‌های فعال در اقتصاد ایران معاصر را سه جریان ۱- اقتصاد اسلامی، ۲- اقتصاد بازار و ۳- اقتصاد نهادگرا دسته‌بندی کرده‌اند که به نظر می‌رسد با شاخص‌هایی که این پژوهش‌ها معرفی می‌کنند، جریان اقتصاد اسلامی نماینده شاخصی در مجلس نداشته باشد. همچنین افراد منتسب به اقتصاد نهادگرا هم شاید حضورشان کم‌رنگ باشد. همچنین جریان شبه علم گرچه بعضا تفاسیر اشتباهی از اقتصاد را ممکن است به اسم اقتصاد اسلامی معرفی کند اما قطعا در جامعه علمی کشور، هیچ‌کسی این گروه نماینده اقتصاد اسلامی نمی‌داند.

مردان سیاست چگونه فکرمی‌کنند؟

وحدید بیگدلی در مقاله جریان شناسی اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران در جریان شناسی اقتصاد سیاسی ایران نوشت: «جریان‌های فعال در اقتصاد ایران معاصر را بایستی سه جریان ۱- اقتصاد اسلامی، ۲- اقتصاد بازار و ۳- اقتصاد نهادگرا دانست. این سه جریان با تکیه بر مبانی فلسفی خود که متشکل از جهان‌بینی،ایدئولوژی وشناخت می‌باشد، از یکدیگر متمایز شده و به ابفای نقش در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. در بین این جریان‌های توآن، جریان اقتصاد نهادگراو جریان اقتصاد بازار را از لحاظ مبانی فلسفی متأثر از دگوان‌های خارجی‌شان دانست، ازجمله دلایلی که به پرزنگ شدن حضور این جریان‌ها در اقتصاد ایران منجر شده است، معطوف بودن آنها به مراکز علمی و آموزشی می‌باشد. البته فرصت‌ها و خلائهای پیش آمده در اقتصاد ایران و حضور پرزنگ و مستمر و طولانی در بدنه مدیریتی اقتصاد نیز بر این حضور شدت بخشیده است و این در حالی است که جریان اقتصاد نهادگرا و جریان اقتصاد اسلامی عمدتا در عرصه‌های نظری فعالیت کم‌رنگی داشته و از زمینه و فرصت لازم برای تصدی امور اجرایی برخوردار نگردیده‌اند.»

وحدید شقاقی شهری و صالح ذوالفقاری در مقاله‌ای با عنوان «جریان‌شناسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب اسلامی» بیان داشتند کتب اقتصاد سیاسی و تاریخ عقاید اقتصادی سرشار از مجادلات فکری و فلسفی در حوزه اقتصاد و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی‌اند. منشأ این مناقشات را می‌توان در تفاوت ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های مکاتب و جریان‌های فکری جست‌وجو کرد. با وجود اینکه از وظایف دولت‌ها در جمهوری اسلامی - که قانون اساسی دولت‌ها را یابدان امر کرده - پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی است، شاهد تفکرات اقتصادی مختلف در کشور درکنار راهکارها، عوارض و تبعات هریک هستیم. علت این تعارض و تفاوت در سیاست‌گذاری اقتصادی را می‌توان در نوع نگاه دولت‌ها و مبانی فکری و ایدئولوژیک حاکم بر دولت‌ها و مدیران کلان کشور و نیز نبود نظریه منسجم در دولت جست‌وجو کرد. این دو پژوهشگر در ادامه بیان داشتند پس از گذشت چهاردهه از انقلاب شاهد عملکرد و رویکردهای اقتصادی متفاوت در دولت‌ها هستیم در دولت‌هایی که پس از انقلاب اسلامی سرکار آمده‌اند، دولتی رویکرد چپ و دولت محوری داشته، دیگری داعیه‌دار سازندگی بوده و با اجرای سیاست‌های تعدیل و آزاد سازی قیمتی به اتخاذ رویکرد لیبرالی در اقتصاد متهم شده است. دولتی نگاهش به اقتصاد نگاه ثانویه بوده و در اولویت دوم برنامه‌هایش قرار داشته و فاقد برنامه و تفکری منسجم در اقتصاد بوده و دولتی دیگر داعیه تحقق عدالت در حوزه اقتصاد داشته است. دولتی هم فاقد تفکری اقتصادی در درون و متهم به نگرش اقتصادی به بیرون مرزها شده است. شقاقی و همکارش در نهایت نتیجه‌ی می‌گیرند بانگاهی به دولت‌های پس از انقلاب اسلامی، برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌هایشان به‌ندرت می‌توان وحدت نظر در سیاست اجراشده رایافت و نوع نگاه دولت‌ها به اقتصاد متفاوت بوده است. لذا دولت‌ها در جمهوری اسلامی با توجه به تفکرات سیاسی متنوع، سیاست‌های اقتصادی متفاوت با هم داشته‌اند.

۴ جریان غالب در مجلس

نگاهی به ترکیب منتخبان مجلس دوازدهم از منظر اقتصادی نشان می‌دهد چهار جریان کلی در مجلس جدید وجود دارد:

«فرهیختگان» ایده‌های چهره‌های اصلی اقتصادی مجلس دوازدهم را بررسی می‌کند

فرمان اقتصادی مجلس کدام طرف می‌پیچد؟



مجلس دوازدهم چند روزی است که کار خود را آغاز کرده است. یکی از موضوعاتی که در این میان هم موجب امید و هم موجب نگرانی‌هایی شده، مساله سمت و سوی چرخیدن فریام اقتصادی مجلس است. به عبارتی، موضوع این است که مجلس در موضوعات کلان چه سمت و سویی را در حوزه اقتصاد دنبال خواهد کرد. در این گزارش به بررسی جریان فکری اقتصاد خواننده‌های مجلس پرداخته شده است. به نظر می‌رسد چهار گروه در حوزه اقتصاد در جهت‌گیری نمایندگان مجلس قابل تفکیک است. گروه اول جریان نزدیک به اقتصاد بازار هستند و البته تأکید می‌شود تفاوت‌هایی در برخی حوزه‌ها در نگرش‌های آنان با اقتصاد بازار وجود دارد. گروه دوم را شاید بتوان جریان تثبیت‌گرا معرفی کرد. جریان سوم، مستقلین هستند که در موضوعات مختلف بعضا به سمت گروه اول و در مواردی نیز به سمت گروه تثبیت‌گرا چرخش خواهند داشت. گروه چهارم نیز جریان شبه علم هستند که قطعا می‌توانند تبعات مخربی برای اقتصاد ایران داشته باشند. لازم به ذکر است در پژوهش‌های مختلف جریان‌های فعال در اقتصاد ایران معاصر را سه جریان ۱- اقتصاد اسلامی، ۲- اقتصاد بازار و ۳- اقتصاد نهادگرا دسته‌بندی کرده‌اند که به نظر می‌رسد با شاخص‌هایی که این پژوهش‌ها معرفی می‌کنند، جریان اقتصاد اسلامی نماینده شاخصی در مجلس نداشته باشد. همچنین افراد منتسب به اقتصاد نهادگرا هم شاید حضورشان کم‌رنگ باشد. همچنین جریان شبه علم گرچه بعضا تفاسیر اشتباهی از اقتصاد را ممکن است به اسم اقتصاد اسلامی معرفی کند اما قطعا در جامعه علمی کشور، هیچ‌کسی این گروه نماینده اقتصاد اسلامی نمی‌داند.

۱ نزدیک به بازارگرایان

نخستین جریان عمدتا پژوهشگران و اقتصاد خواننده‌های شاخص و مطرح هستند. گروه اول درون خود به سه دسته کلی قابل تقسیم هستند؛ الف- افرادی که بعضا در موضوعاتی همچون پارانه‌ها، نرخ ارز، قیمت‌گذاری دولت، حجم دولت، دلایل کسری بودجه، دلایل ناترازی در نظام بانکی، استقلال بانک مرکزی و موضوعاتی شبیه به این، دیدگاه‌های آنها نسبتا به اقتصاد بازار نزدیک است و البته در برخی مصدایق موضوعاتی همچون عدالت اجتماعی و مسئولیت اجتماعی دولت، دیدگاه‌های آنها تفاوت‌هایی با دیدگاه‌های اقتصاد متعارف دارد. این گروه در موضوعاتی همچون نرخ ارز، مخالف تثبیت بلند مدت نرخ ارز بوده و این موضوع را منشأ شکل‌گیری فساد، زمینه‌ساز جهش‌های ارزی آتی، موجبات هدررفت منابع ارزی و در مجموع سیاست ضدتوسعه و صنعت‌زدا می‌دانند. به اعتقاد این گروه، نرخ ارز نباید برای چندین سال در یک نرخ واحد تثبیت شود و معتقدند سیاست ارزی شناور بهترین سیاست برای مدیریت نرخ ارز است. به اعتقاد این گروه، تفکیک سیاست‌های دولت از سیاست ارزی می‌تواند زمینه‌ساز کاهش فقر، کاهش التهابات و جهش‌های ارزی و کاهش فساد و رانت شود، همچنین تفکیک سیاست‌های رفاهی از سیاست ارزی و تخصیص پارانه‌های نقدی به جای رانت ارزی، ازجمله خدغه‌های این گروه در چند سال اخیر بوده است. از چهره‌های مشهور این گروه می‌توان به سیدشمس‌الدین حسینی و مهدی طغیانی اشاره داشت.

۲ تثبیت‌گرایان

گروه دوم اقتصاد خواننده‌هایی هستند که شاید بتوان آنان را در طیف «تثبیت‌گرایان» قرار داد. این گروه در برخی مصدایق همچون نرخ ارز و قیمت‌ها با شدت از نقش دولت می‌گویند و معتقدند دولت باید یگانه قیمت‌گذار بازارهایی همچون بازار ارز باشد. این گروه معتقدند در موضوعی همچون نرخ ارز، بازارزی تشکیل نشده و عمده منابع ارزی دست دولت قرار داشته و باید دولت قاطعانه نرخ ارز را قیمت‌گذاری و از رواج قیمت‌های غیررسمی جلوگیری کند. این گروه نرخ‌های ارز واقعی را اعداد نسبتا پایین‌تر (مثلا نرخ ۲۰ هزار تومان تا ۲۵ هزار تومان در شرایط فعلی) را در رسانه به بحث و بررسی گذاشته و از آن دفاع می‌کنند. این گروه در موضوعاتی همچون پارانه‌های پنهان چالش جدی با گروه اول دارند. در گروه تثبیت‌گرایان شاید بیزره نباشد چهره شاخص این گروه حسین مصصامی، استاد دانشگاه شهید بهشتی معرفی شود.

۳ مستقلین

جریان سوم، نمایندگان مستقلی هستند که ممکن است در مصدایق متفاوت سیاست‌گذاری به گروه اول یا دوم متمایل شوند. محسن زنگنه در مجلس یازدهم از این دست بوده است. وی در موضوع ارز ۴۲۰۰ موضعی متفاوت از گروه اول می‌گیرد و به گروه دوم نزدیک‌تر است، اما در موضوعاتی همچون کسری بودجه و دلایل آن، به طیف اول نزدیکتر است. برخی نمایندگان نیز وضعیتی شبیه به زنگنه دارند. مصطفی پوردهقان، محمد مهدی مفتح، علی بابایی کارنامی، عباس بیگدلی، رضا علیزاده، هادی قوامی، مصطفی مطروزاده، جعفر قادری و رحیم کریمی ازجمله این افراد هستند. رسول بخشی دستجردی، نماینده اصفهان را شاید بتوان در این گروه سوم دسته‌بندی کرد. وی گرچه به واسطه مصاحبه‌ای بین اهالی رسانه مشهور شد، اما بعضی از دیدگاه‌های وی در حوزه بانکی ازجمله ناترازی‌ها در اقتصاد ایران و به‌طور ویژه ناترازی در نظام بانکی هم نظر با گروه اول است. بخشی دستجردی در مصاحبه‌ای می‌گوید بعضی اقتصاددان‌ها اجازه نمی‌دهند جلوی سفته‌بازی گرفته شود. وی در ادامه مدعی شد: «تنها پولی که بر مبنای مدل‌های ریاضی در برابر دلار ایستاده ریال است.»

البته بخشی دستجردی در گزارشی با عنوان «بررسی نسبت شرکت‌های دولتی با خلق درون‌زای نقدینگی در اقتصاد ایران و لزوم تغییر ساختار جریان مالی» که در پژوهشکده امور اقتصادی وزارت اقتصاد منتشر شده، استدلال می‌کند: «شواهد تجربی و بررسی‌های حسابداری نشان می‌دهند نقدینگی در اقتصاد بزمبنای الگویی خلق اعتبار را بانکداری رشد می‌کند. از این منظر، فعالیت شرکت‌های دولتی یکی از مجاری تقاضای خلق نقدینگی در کشور است. به عبارتی، شواهد تجربی و بررسی‌های حسابداری نشان می‌دهند بانک‌ها در دنیای واقعی نه به عنوان واسطه وجوه، بلکه به عنوان خالق وجوه به فعالیت می‌پردازند. بر مبنای این الگو از بانکداری، تقاضاهای شکل گرفته برای نقدینگی از سوی عوامل اقتصادی در نهیات می‌تواند به سیستم بانکی ارجاع شده و پاسخ سیستم بانکی به این تقاضاها منجر به خلق نقدینگی در اقتصاد می‌شود. بخشی دستجردی و همکارش نتیجه می‌گیرند فعالیت شرکت‌های دولتی از مجاری گوناگون می‌تواند بر خلق نقدینگی در اقتصاد تاثیر بگذارد. وقتی به مصدایق این مجاری نگاه کنیم، بخشی دستجردی و همکارش در موضوعاتی همچون کسری بودجه، پارانه‌ها و امثال آن به گروه اول

گرایش فکری دارند تا جریان تثبیت‌گرا، اما زمانی که وی موضوع ارز را مطرح کرد شاید بتوان وی را نزدیک به جریان دوم دسته‌بندی کرد.

۴ جریان شبه علم

جریان چهارم - که البته نحیف است اما گه‌هایی از آن در مجلس آتی مشاهده می‌شود- جریان شبه علم اقتصادی است. این افراد از یک سو فهم غلطی از ارزش‌های اقتصادی اسلام دارند و از دیگر سو با واقعیت‌های اقتصاد ایران فاصله دارند و مدعی نجات اقتصاد ایران با ایده‌های خطرناک هستند.

➤ لزوم فاصله‌گیری از جریان شبه علم

بدون تردید اقتصاد مساله اول کشور است و جریان شبه علم اقتصادی نیز در تلاش است تا به گمان خودش طرحی نو دراندازد! جریان شبه علم چند گزاره خطرناک دارد که در ادامه به‌طور خلاصه به آن اشاره می‌شود:

۱ فهم غلط دلارزدایی

«دلارزدایی» یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌های جریان شبه علم اقتصادی است. این افراد با توصیه‌هایی نظیر برگشت کل ارز حاصل از صادرات و تثبیت نرخ ارز و اختصاص ارز به واردات برخی اقلام ضروری ذیل نظارت دولت درصدد هستند تا با کاهش قیمت کالاهای مصرفی و واسطه‌ای تورم را مهار و رفاه را افزایش دهند. این شیوه ناصحیح از رفاه‌آفرینی در برخی دیگر از توصیه‌های این جریان نیز قابل مشاهده است که در جای خود قابل بررسی است.

۲ صنعت‌زدایی از اقتصاد ملی

نگاهی به چالش‌های اجرایی تثبیت نرخ دلار و نظرات بر واردات‌کنندگان پرده از بیزراه بودن توصیه جریان شبه علم برمی‌دارد. پس از اختصاص ارز با نرخ تثبیتی ترجیحی برای بلندمدت و واردات‌کنندگان، در تمامی بخش‌ها و صنایع دولت ناچار خواهد بود برکل زنجیره تولید نظارت کند تا اولا محصول نهایی با قیمت دلار آزاد به فروش نرسد و ثانیا انگیزه‌های صادرات کالا به بازارهای جهانی و به قیمت دلار آزاد نیز وجود نداشته باشد. این امر از اساس غیرقابل انجام و تهی از خوداست. مضاف برآن، حتی اگر قابل انجام باشد عملا واردات ارزان منجر به تضعیف تولید داخلی می‌شود. بنابراین چنین روشی دلارزدایی نیست بلکه در واقع صنعت‌زدایی از اقتصاد ملی است.

۳ رشد نقدینگی در مقابل کنترل آن

توصیه مهم دیگر جریان شبه علم تأکید ایشان بر رشد نقدینگی است. ایشان با تکیه بر نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی و مقایسه این نسبت در ایران با سایر کشورها و این ادعا که نقدینگی عامل تورم نیست، مدعی هستند رشد نقدینگی پدیده‌ای مشکل‌آفرین نیست و تورم ایجاد نمی‌کند. این درحالی است که اخیرا رهبری در دیدار با تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی رشد نقدینگی را یکی از مشکلات کشور معرفی و کاهش آن پس از اجرای سیاست کنترل ترانزانه را امری مثبت می‌دانند. پیش از این نیز، ایشان کاهش رشد نقدینگی را یکی از کارهای مثبت دولت سیزدهم برشمرده بودند. همچنین، کاهش نرخ تورم تولیدکننده از رقم ۸٫۶۲ درصد در شهریور ۱۴۰۰ به ۲٫۴

درصد در اسفندماه ۱۴۰۲ رسیده است که شاهدهی عینی بر موفقیت سیاست کاهش رشد نقدینگی است که جریان شبه علم اساسا اعتقادی به آن ندارد.

۴ نتولیربال خواندن هد فمندی پارانه‌ها

جریان شبه علم با نتولیربال خواندن سیاست هد فمندی پارانه‌ها درصد است تا نشان دهد منطقی سازی قیمت برخی کالاها و پرداخت پارانه نقدی به شهروندان، تجویزی نتولیربال بوده که به کاهش قدرت خرید مردم منجر شده است. از نظر جریان شبه علم اقتصاد، حسن روحانی که در دولتش شش سال به قیمت بنزین دست نزد تا لاجرم در سال ۱۳۹۸ مجبور به اجرای جهش قیمت‌ها شد و از دیگر سو در آن سال‌ها به رغم تورم به پارانه‌ها هم دست نزد، یک ایرقهرمان است که زیر بار سیاست‌های نتولیربال نرفته است! ایراد کلیدی جریان شبه علم، روش‌شناسی نادرست ایشان در چگونگی افزایش رفاه جامعه و فهم غلط ایشان از طراحی سازوکارهای رفاهی است. روح غالب در توصیه‌های ایشان که فرار است رفاه را برای مردم ایران به ارماغان آورد، قیمت‌گذاری و نظارت تمام و کمال دولت بر فعالان اقتصادی است. به عنوان مثال، راهکار اصلی وی در کاهش تورم کاهش قیمت کالاها از طریق قیمت‌گذاری دولت و تثبیت نرخ ارز است که تجربه‌ای چندین بار آزموده شده است. سیاست‌گذاری در ایران نشان می‌دهد تبعات چنین تصمیماتی تا چه حد می‌تواند هزینه‌زا باشد. همچنین توصیه تثبیت قیمتی که ایشان بر آن تأکید دارند می‌تواند منشا شوک‌های قیمتی و آسیب‌های اجتماعی گسترده‌تر در صورت عملی شدن تفکرات شان باشد.

۵ حذف بانکداری خصوصی

ایده دیگر جریان شبه علم در حوزه بانکداری است. برخی انحرافات ایجاد شده در نظام پولی و بانکی کشور منجر شده تا این گروه با طرح مخالفت خود نسبت به بانکداری خصوصی، توصیه برچیده شدن آن و ادغام تمامی بانک‌ها در یک بانک دولتی را مطرح کنند. فارغ از اقتصاد سیاسی پیچیده این حوزه که عملیاتی شدن این ایده را ناممکن می‌کند، باید اذعان داشت جریان شبه علم برای حل مساله موجود در نظام پولی و بانکی در عوض یافتن راه‌حلی معقول و منطقی، به دنبال پاک کردن صورت‌مساله هستند. حلقه مفقوده نظام بانکی در ایران، تنظیم‌گری ضعیف و نسبتا رها شده آن است که در ماه‌های اخیر نشانه‌هایی از بهبود در این حوزه به واسطه اقدامات جدید بانک مرکزی دیده می‌شود. ایده برچیده شدن بانکداری خصوصی در تقابل با سیاست‌های کلی نظام است.

۶ تورم؛ عامل کسری بودجه

جریان شبه علم تورم را علت کسری بودجه معرفی می‌کند و منکر هرگونه رابطه از سمت کسری بودجه به تورم می‌شود. این افراد با غفلت از اثر ناترازی مالی دولت و تبعات آن بر سیاست پولی که بخشی از ناترازی شبکه بانکی را نیز رقم می‌زند ادعا می‌کنند با حل مساله تورم، کسری بودجه دولت نیز از بین خواهد رفت. در سمت مقابل اما رهبر معظم انقلاب کسری بودجه را ام‌الخبائث و ریشه بسیاری از مشکلات اقتصاد ایران می‌دانند. از نظر ایشان، مهم‌ترین دلیل وقوع کسری بودجه در نظر گرفتن «منابع موهومی و خیالی» در کنار هزینه‌های واقعی دولت است.

| ردیف | نماینده منتخب | حوزه انتخابیه | رشته تحصیلی |
|------|--------------------|---------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ | مصطفی پوردهقان | اردکان | دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی اقتصادی |
| ۲ | محمد مهدی مفتح | تویسرکان | دکتری اقتصاد |
| ۳ | علی بابایی کارنامی | ساری و میاندوورود | کارشناسی ارشد اقتصاد بین‌الملل |
| ۴ | سیدشمس‌الدین حسینی | تکابن، رامسر و عباس‌آباد | دکتری اقتصاد بازرگانی |
| ۵ | عباس بیگدلی | تاکستان | کارشناسی ارشد اقتصاد |
| ۶ | رضا علیزاده | روزقان | دکتری مدیریت صنعتی- ارشد اقتصاد |
| ۷ | مهدی طغیانی | اصفهان، جرقویه، وزنه، هرند و کوهپایه | دکتری علوم اقتصادی |
| ۸ | رسول بخشی | اصفهان، جرقویه، وزنه، هرند و کوهپایه | دکتری اقتصاد |
| ۹ | محسن زنگنه | تربت حیدریه، مه ولات و زاوه | دکتری اقتصاد |
| ۱۰ | هادی قوامی | اسفراین و یام‌صفی‌آباد | دکتری اقتصاد |
| ۱۱ | مصطفی مطروزاده | خرمشهر | دکتری اقتصاد |
| ۱۲ | جعفر قادری | شیراز و زرقان | دکتری اقتصاد شهری و منطقه‌ای |
| ۱۳ | حسین مصصامی | تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس | دکتری علوم اقتصادی |
| ۱۴ | رحیم کریمی | سمریم | دانشجوی دکتری اقتصاد و توسعه |

درسی و یکمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی چه گذشت؟

سرمایه بانک‌های وزارت امور اقتصاد و دارایی است. با وجود محدودیت‌ها، از ابتدای دولت تا به امروز ۲۷۵ همت افزایش سرمایه بانک‌های تحت مدیریت دولت صورت گرفته که ۱۲۱ درصد نسبت به افزایش سرمایه بانک‌ها در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته است. از این رقم فقط ۱۵ درصد حاصل تجدید ارزیابی بوده و مابقی حاصل افزایش سرمایه با کیفیت بوده است.» وی ادامه داد: «۱۳۰ همت از افزایش سرمایه بانک‌های تحت مدیریت دولت در سال ۱۴۰۲ انجام شده که از این میزان فقط ۷ درصد مربوط به تجدید ارزیابی بوده و سایر افزایش سرمایه از نوع افزایش سرمایه با کیفیت بوده است. این آمارها با دوره‌های قبلی کاملا قابل مقایسه است. بخش اقتصادی دولت تقویت کفایت سرمایه و بهبود وضعیت بانک‌های تحت مدیریت خود را در دستور کار قرار داده است.»

قانون نوین بانک مرکزی؛ گامی موثر در اعتلای استقلال این نهاد

محمد شیرجیان، سرپرست پژوهشکده پولی و بانکی کشور، در آیین افتتاحیه این رویداد، از دستاوردهای تدوین قانون بانک مرکز نوین، اینچنین گفت: «تدوین قانون بانک مرکزی نوین و روزآمد، شرط لازم در جهت اصلاح ساختارهای مالی در کشور و نیل به اهداف اقتصاد کلان محسوب می‌شود. قانون کارآمد باید بتواند بانک مرکزی را در تأمین هدف برقراری ثبات پولی و انبام وظایف خطیر خود در حوزه مقررات‌گذاری و

مدیرمسئول:

محمد امین ایمانجانی

قائم‌مقام مدیرمسئول:

مسعود فروغی

سردبیر:

محمد زعیم‌زاده

تلفن و فکس:

۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵

کدپستی:

۱۱۳۵۳۳۸۱۶

چاپ:

چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی

نشانی:

خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری

روبه‌روی ساختمان بورس

ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم